

روایت پژوهی در زمانی

سنجش روش‌های قصه‌گویی و داستان‌نویسی در فارسی

تسین صافی پیرلوجه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

روایت پژوهی در زمانی

سنجش روش‌های قصه‌گویی و داستان‌نویسی در فارسی

مؤلف: حسین صافی پیرلوجه

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

صفحه‌آرا و نمونه‌خوان: فاطمه اترابی

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

اجرای بلد: فرزانه صادقیان

ناظر چاپ: مهدی اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفهیم

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: صافی پیرلوجه، حسین، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور: روایت پژوهی در زمانی: سنجش روش‌های قصه‌گویی و داستان‌نویسی در فارسی

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۷۴ ص.

شابک: 978-964-426-805-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فبای مختصر

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۱۸۴۷۲

گرامی داشت پنجاهمین سالگرد تأسیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال ۱۳۹۴ پنجاهمین سال تأسیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بزرگ‌ترین نهاد پژوهشی کشور در حوزه علوم انسانی، است.

نخستین واحد تشکیل‌دهنده آن، بنیاد فرهنگ و هنر ایران، با هدف «خدمت به فرهنگ و سعی در حفظ و ترویج میراث معنوی ایران و کوشش در راه تهذیب و تکمیل و ترویج زبان فارسی و شناساندن فرهنگ ایران به ملت‌های دیگر»، در سال ۱۳۴۴، آغاز به کار کرد و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با پیوستن نهادهای پژوهشی دیگر مانند انجمن حکمت و فلسفه ایران، بنیاد شاهنامه فردوسی، بنیاد فرهنگ و هنر ایران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگستان ایران، فرهنگستان زبان ایران، فرهنگستان علوم ایران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، مرکز ایرانی تحقیقات خارجی، و مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها در قالب یک پژوهشگاه جامع به فعالیت‌های خود ادامه داد که خدمات علمی و پژوهشی آن در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی در نزد اهالی علم و دانشگاهیان شناخته شده است.

ثمرات نیم‌قرن بالندگی این درخت تنومند، که به دست برجسته‌ترین استادان علوم انسانی کشور به بار نشسته است، صدها طرح پژوهشی اثرگذار و ده‌ها کتاب و صدها دانش‌آموخته فرهیخته است. این دستاوردها فخری است برای نهاد دانش در سرزمینی که همواره در تاریخ به فرهنگ و شکوفایی تمدنی شهره است.

فهرست مطالب

مقدمه

۹

فصل ۱: انواع مرزشکنی در داستان‌های نوین فارسی

۱۳

درآمد

۱۵

شگردهای مرزشکنی در داستان‌های فارسی

۱۸

۱- مرزشکنی نویسنده

۱۸

۲- مرزشکنی تجسیمی

۲۲

۳- مرزشکنی خطابی

۲۴

۴- مرزشکنی شبه‌مستند

۲۹

۵- مرزشکنی بلاغی

۳۱

جمع‌بندی

۳۵

تبیین مرزشکنی

۳۷

نتیجه‌گیری

۴۵

فصل ۲: روایت‌گردانی در قصه‌های عامیانه و داستان‌های نوین

۴۷

فارسی

۴۹

درآمد

۵۳

روایت‌گردانی در قصه‌گویی و داستان‌نویسی فارسی

۵۵	روایت گردانی قالبی
۶۵	روایت گردانی آزاد
۶۷	روایت گردانی در کارکردی فراداستانی
۷۶	جمع بندی
۷۶	نتیجه گیری
۸۱	فصل ۳: ضمیر دوم شخص در داستان های نوین فارسی
۸۳	درآمد
۸۸	هستی شناسی مخاطب در گفتمان روایی
۹۲	دوم شخص روایی نمایانده ی از ضمائر شخصی در جمع عبارات های اشاری
۹۹	کاربردشناسی ضمیر دوم شخص در داستان های فارسی
۱۰۰	۱- کارکردهای عاطفی
۱۰۸	۲- کارکردهای خطابی
۱۱۲	۳- کارکرد دوپهلوی
۱۱۸	جمع بندی
۱۱۹	نتیجه گیری
	فصل ۴: کانونی سازی فرضی و معنی شناسی منهنج در ادبیات
۱۲۱	داستانی ایران
۱۲۳	درآمد
۱۲۶	وجوه آشنای کانونی سازی
۱۳۰	۱- ضمائر شخصی
۱۳۲	۲- عبارات های معرفه و نکره
۱۳۳	۳- افعال حسی و ادراکی

۱۳۴	۴- زمان و وجه دستوری
۱۳۵	۵- اقلام واژگانی لحن‌آمیز و ساخت‌های دستوری نشان‌دار
۱۳۵	درآمدی بر وجوه ناشناخته‌ی قانونی‌سازی
۱۳۷	۱- قانونی‌سازی فرضی آشکار
۱۴۱	۲- قانونی‌سازی فرضی پنهان
۱۴۸	قانونی‌سازی فرضی و معنی‌شناسی مفهومی
۱۵۵	نتیجه‌گیری
۱۵۷	کتاب‌تاب
۱۶۷	نمایه

مقدمه

هدف از پژوهش حاضر، پیشنهاد پاره‌ای ابزارها و روش‌های کارآیند در سخن‌کاوی گفتمان‌رایی با توجه به پیکره‌ای از قصه‌های عامیانه‌ی فارسی و ادبیات داستانی ایران بود است. به همین منظور نگارنده کوشیده است تا با بررسی دامنه‌ی هرچه گسترده‌تر، از دادگان فارسی، الگوها و ابزارهای برگزیده و پیشنهادی خود را فراتر از گفتمان‌های خام، در عمل نیز به آزمون بگذارد؛ آزمونی که نخستین فصل آن با طرح مفهوم «مرزشکنی‌روایی»^۱ و سنجش آن بر پایه‌ی داستان‌های نوین فارسی برگزار شده است. موضوعیت این مفهوم در پس‌زمینه‌ی فصل‌های دوم و سوم نیز همچنان با قوت خود باقی است، تا سرانجام در فصل چهارم با سخن‌کاوی درباره‌ی سگ‌های «کانونی‌سازی» جایگزین شود.

مفهوم مرزشکنی را برای نخستین بار ژرار ریت، ادبیات‌شناس ساختارگرای فرانسوی، نزدیک به پنج دهه پیش در دو وجه لاینفک معرفی کرده است: وجهی مبتنی بر صورت پاره‌روایت‌های مرزشکن و مشخصاً ممیزه‌های کلامی داستان از فراداستان و فروداستان، و وجه دیگر مبتنی بر کارکرد دوگانه‌ی

پاره‌روایت‌های مرزشکن در پرداخت داستان از راه داستان‌پیریشی. با این‌که سال‌ها از معرفی مهم‌ترین مؤلفه‌های مفهوم «مرزشکنی» در دیدگاه‌های نوآورانه‌ی ژنت می‌گذرد، ولی این مفهوم، همچون دیگر مفاهیم بنیادین روایت‌شناسی، تا به حال توجه چندانی را در نقد روایت‌های فارسی به خود جلب نکرده است؛ فارسی که سهل است، حتا از تشخیص اهمیت مرزشکنی و بررسی دقیق کارکردهای روزافزود آن، در چارچوب مطالعات جهانی روایت هم دیری نمی‌گذرد. در این مدت، معرود روایت‌پژوهانی که درباره‌ی مرزشکنی نظر داده‌اند، یا این مفهوم را تنها از سویه‌ی بلاغی‌س دیده‌اند، یا فقط با نگاهی هستی‌شناسانه در آن نظر کرده‌اند. در فصل نخست، نگارنده بر آن بوده است تا ابتدا کارکردهای صنعت مرزشکنی را به کمک پاره‌ای از برجسته‌ترین نمونه‌های آن در داستان‌های نوین فارسی دسته‌بندی کند و سپس با استناد به درهم‌تنیدگی این کارکردها نشان دهد که بر خلاف دیدگاه روایت‌پژوهان، مرزشکنی از یک سو در هر صورتی از گفتمان دارای کارکردی هستی‌شناختی است و از سوی دیگر، کارکرد مرزشکنی هرچه باشد، جز در وجهی از گفتمان شرف‌صد نمی‌یابد.

برای «روایت‌پژوهی در زمانی» عرصه‌های گوناگون را می‌توان متصور شد که گونه‌شناسی روایت در دوره‌های تاریخی مختلف یکی از آنهاست، و جستن پیشینه‌ی فنون داستان‌پردازی نوین در قصه‌های عامیانه‌ی بومی یکی دیگر. در همین راستا و با این گمان که حتا در صورت تغییر کارکرد یا چه‌بسا نقش‌باختگی کامل روایت‌نماهای شفاهی، باید آثاری از آنها در رمان و داستان کوتاه فارسی به جا مانده باشد، نگارنده بر آن بوده تا در فصل دوم، پس از معرفی نمونه‌ی ظریفی از این قالب‌های کلامی خاص روایت در پیکره‌ای مشتمل بر دو‌یست و هفتاد قصه‌ی عامیانه که دست کم هفتاد سال از گردآوری و ثبت

هرکدام می‌گذرد، روند زوال یا صرفاً تحول نقشی این قالب‌ها را در ادبیات داستانی ایران پی بگیرد.

گفتمان روایی همچنان که خواننده را به سوی کشف پیوندهای زمانی و مکانی میان عوامل و وقایع درون داستان رهنمون می‌شود، می‌تواند رابطه‌ی میان داستان و بافت حاکم بر داستان را نیز در نظر خواننده ترسیم کند و خواننده را به بازنگری پیوسته در روابط میان جهان داستان و جهان واقعی پیرامون آن وادارد؛ به این ترتیب که از یک سو بنا بر مختصات زمان مکانی و مناسبات میان عوامل داستان، انگاره‌های بدیعی را در ذهن خواننده برمی‌انگیزد و از سوی دیگر، امکان خوانش کل داستان را تنها در تداعی این انگاره‌های تازه با بعضی پیش‌انگاره‌های آشنا، فراهم می‌کند. این نبود متداعی میان سازه‌های جهان داستان و پیش‌انگاره‌های برگرفته از جهان واقع را نگارنده در فصل سوم، بافت وابستگی نامیده و در راستای تبیین آن به کاربرد سنجشی یکی از برجسته‌ترین نشانه‌های کلامی‌اش، یعنی ضمیر دوم شخص، پرداخته است. در آغاز این راه، پاره‌ای از مفاهیم روایت‌شناختی لازم برای تشریح بافت وابستگی داستان را معرفی کرده و سپس بنا بر کاربردهای گوناگون ضمیر دوم شخص در نمونه داستان‌های فارسی، به دو جنبه‌ی تصریحی، و خطابی از بافت وابستگی داستان نشان برده است. اما چون هرکدام از این دو جنبه در وجه خاصی از کارکرد اشاری ضمیر دوم شخص ریشه دارد، در ادامه‌ی فصل سوم با بهره‌گیری از یافته‌های زبان‌شناسان درباره‌ی عبارت‌های اشاری، نشان داده است که از این عبارت‌ها چگونه می‌توان برای وابستن پاره‌گفته‌ها به موقعیت نویسنده (گوینده) گان و خواننده (شنونده) گان‌شان سود جست، یا به پاسخ‌جویی برای مسائلی از این دست برآمد که ضمیر دوم شخص امروزه در ادبیات داستانی ایران افزون بر تنها کارکردی که

زبان‌شناسان به‌طور سنتی برایش قائل بوده‌اند - یعنی شاخص‌گذاری مخاطب در بافت موقعیتی بلافصل از گفتگوهای شفاهی - چه کارکردهایی یافته است. نتیجه‌ی حاصل از شناسایی و بررسی وابستگی‌های گفتمان به بافت این است که گاهی در داستان‌های نوین فارسی از ضمیر دوم‌شخص نه برای تثبیت مرزهای هستی‌شناختی میان عوالم پندار و جهان واقع، که برای درهم‌ریختن این مراتب وجودی استفاده می‌شود.

در فصل چهارم، پس از مرور انواع کانونی‌سازی روایی و ابزارهای کلامی آن از نظر روایت‌پژوهان سنتی، با رده‌شناسی تازه‌ای از اقسام کانونی‌سازی تحت عنوان «کانونی‌سازی فرضی» نیز آشنا خواهیم شد. منظور از کانونی‌سازی فرضی، امکان دریافت تجربی ادراکی مفهومی است از موضعی که کانونی‌ساز هرگز در آن حضور نداشته است. (و سپس تبیین) این نوع کانونی‌سازی نیازمند بهره‌گیری از دیدگاه‌های زیباشناختی و فلسفی‌ای است که یا پس از روایت‌شناسی ساختارگرا مطرح شده‌اند یا بیرون از دیدرس روایت‌پژوهان سنتی مانده‌اند. در این میان، دیدگاه‌هایی که به‌طور ویژه در توجه نگارنده بوده‌اند، یکی معنی‌شناسی جهان‌های ممکن، و دیگری معنی‌شناسی مفهومی است. این دو چارچوب نظری در کنار یکدیگر زمینه‌ی مناسب را برای سنجش ارزش مفهومی داستان در جایی ورای تحلیل‌های صوری روایت‌شناسان ساختارگرا و معنی‌شناسان منطقی فراهم کرده‌اند. در نتیجه، نگارنده پس از شناسایی علائم زبانی انواع متعارف کانونی‌سازی در نمونه‌داستان‌های فارسی، سرانجام با تکیه بر وجوه مجازی این مفهوم، به معنی‌شناسی ابعاد مبهمی از گفتمان روایی پرداخته است که ذاتاً به تحلیل‌های صوری یا منطقی روایت‌شناسان ساختارگرا تن نمی‌دهند.